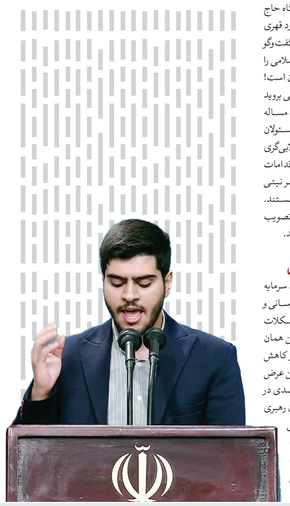

نمایندگان تشکل‌های دانشجویی در دیدار با رهبر انقلاب چه گفتند؟

جمهوریت و عدالت مساله نخست تشکل‌ها

محمدمهدی احمدی، دبیرکل اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان:

هنوز مرحله سوم نقشه کلان انقلاب یعنی تشکیل دولتی اسلامی محقق نشده است

بسم‌الله الرحمن الرحیم

آقاجان سلام علیکم

بنده امروز به‌عنوان نماینده اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان در محضر شما حاضر شده و حامل سلام گرم اعضای این اتحادیه خدمت شما می‌باشم. یاد و خاطره همه شهدای راه قدس علی‌الخصوص شهید حاج قاسم سلیمانی را گرامی می‌داریم. درحالی توفیق دیدار حضرتعالی نصیب ما شده که برادران و خواهران مسلمان‌مان در غزه مظلوم مقتدرانه در برابر وحوش صهیونیست ایستاده‌اند. پیروزی و آزادی قطعی فلسطین، رهایی افکار و اندیشه عالمیان از چنگال هجمه تبلیغاتی- رسانه‌ای صهیونیسم جهانی است. این واقعیت در تجمعات و تظاهرات مردم آزاده در قلب استکبار جهانی و شیطان بزرگ قابل مشاهده است؛ این همان چیزی است که می‌تواند پیروزی حقیقی فلسطین را محقق سازد.

در چهل‌وششمین سال حیات مبارک جمهوری اسلامی ایران هنوز موفق به تحقق مرحله سوم از نقشه کلان انقلاب اسلامی نشده‌ایم؛ مرحله تشکیل دولت اسلامی که تحقق آن در جهت نیل به سوی تمدن نوین اسلامی، ضرورتی است که مستلزم بازسازی انقلابی نظام اسلامی است و جز با درهم آمیختن هویت و آرمان انقلاب اسلامی با روح و جان کارگزاران نظام و جاری شدن چشمه‌های معرفت و اندیشه اسلام ناب خصوصا در بدنه میانی نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا نمی‌کند.

آقا جان! ما معتقدیم با مدیران پشت‌میزنشین دل در گرو لیبرالیسم نمی‌توان بازسازی انقلابی نظام جمهوری اسلامی را محقق کرد بلکه این امر نیاز به مدیرانی دارد که درک صحیحی از مفهوم متعالی حیات طیبه داشته باشند؛ حیات طیبه‌ای که در آن آزادی، تعالی اخلاقی انسان، رواج فضایل، امنیت، قسط، عدالت، رفاه و آبادانی برقرار خواهد شد. ان‌شاءالله؛ مدیرانی مجهز به سلاح معرفت، اخلاق و بصیرت که متاسفانه این امر مهم از سوی نهادهای متولی کادرسازی مغفول واقع شده است.

نظام مقدس جمهوری اسلامی برای آنکه بتواند دولت اسلامی را تحقق بخشد نیازمند کارگزارانی با هویت انقلابی- اسلامی است؛ در حال حاضر مسئولیت انتقال این هویت ناب به جوانان، برعهده مراکز کادرساز انقلاب می‌باشد که نظام تعلیم و تربیت مهم‌ترین آن است و در سه بستر حوزه علمیه، آموزش عالی و آموزش‌وپرورش دنبال می‌شود. این نظام باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که جوان ما هویت ایمانی و علمی را توأمان کسب کند، به‌صورتی‌که خروجی نظام تعلیم و تربیت ما به نحو قاعده و نه استثناء شهید چمران‌ها باشد. در ادامه به تفکیک به مباحث نظام تعلیم و تربیت خواهیم پرداخت.

الف) آموزش‌وپرورش

متاسفانه سهم آموزش‌وپرورش از بودجه عمومی دولت در حدود سه دهه اخیر به کمتر از نصف کاهش یافته است. نسبت سهم آموزش به تولید ناخالص ملی از شش درصد در ابتدای انقلاب به کمتر از سه درصد در دهه اخیر رسیده است. همچنین رشد مدارس غیردولتی در دو دهه اخیر در کشور موجب طرح این سوال اساسی شده است که این افزایش تا کجا ادامه خواهد یافت و حد یقف این افسارگسیختگی تا به کجاست؟! موارد مذکور نشان می‌دهد آموزش‌وپرورش به‌مثابه یک نهاد زیربنایی که می‌بایست با جاری‌سازی معارف اسلام ناب و آموزش فرهنگ گفت‌وگو، کار جمعی، نگاه نقادانه و تفکر خلاقانه به دانش‌آموزان نسل تمدن‌سازی را تحویل جامعه دهد به‌واسطه برون‌سپاری‌های نامعقول به کلنی‌های بعضا سکولار و متعارض با دین، به گروهک‌های آموزشی منفک و بی‌ربط از هم تبدیل شده است. جای سوال است که این امر چه قرابتی با تشکیل تمدن اسلامی به‌واسطه ایده «کارخانه انسان‌سازی» می‌تواند داشته باشد؟!

ب) دانشگاه

یکی دیگر از مراکز مهم و راهبردی کادرسازی در کشور، دانشگاه است. این عنصر مهم برای آنکه معارف اسلامی را در کلیه شئون کشورداری پیاده سازد، نیازمند یک تحول ساختاری است تا دو راهبرد در آن دنبال شود.

۱. ایفای نقش به‌عنوان هیات اندیشه‌ورز جامعه جهت تئوریزه کردن علوم گوناگون به‌صورت اسلامی تا بتواند یک تحول گفتمانی و ساختاری در بخش‌های مختلف ازجمله اقتصادی، فرهنگی و فناوری و... ایجاد کند.

۲. نیروی متعهد به این تحول گفتمانی و ساختاری می‌بایست که با ماهیت این تحول که همان هویت انقلابی- اسلامی است مانوس و عجین باشد.

نتیجه این فرآیند یک جوان مومن انقلابی تا بن دندان مسلح به مبانی اندیشه اسلامی است و متکلف به عملیاتی کردن این تحول در جامعه. درخصوص تحول ساختاری در نظام آموزش عالی پیشنهاداتی ناظر به متولیان امر تعلیم و تربیت حاضر در جلسه عرضه خواهد شد. از دید جامعه اسلامی دانشجویان این تحول در دانشگاه که با پیگیری دو راهبرد مذکور منتج به تربیت نیروی جوان انقلابی، جهت پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی می‌شود و نهایتا جامعه را به سوی تمدن اسلامی جهت می‌دهد با چهار پیشنهاد که در ادامه عرض خواهد شد قابل تحقق است.

۱. پاکسازی نظام آموزش عالی از کارگزاران محافظه‌کار که خود اعتقادی به این تحول ندارند و قرابتی با هویت اسلامی هم پیدا نکرده‌اند؛ که جرات اقدام را از بدنه دولت می‌گیرد.

۲. به‌روزرسانی دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها متناسب با نیازهای فکری و شبهات روز دانشجویان در عرصه‌هایی مانند مبانی اندیشه اسلامی، هوش مصنوعی، کوانتوم و... و همچنین تربیت اساتیدی متناسب با این رویکرد.

۳. مماس شدن دانشگاه با مسائل واقعی کشور، اهتمام به برطرف کردن نیازهای جامعه و نه کارهای سطحی نمایشی و تبلیغاتی مثل مقاله‌محوری صرف.

۴. پشتیبانی محتوایی تمام‌قد و همه‌جانبه حوزه علمیه و ارتباط موثر با دو عنصر دیگر نظام تعلیم و تربیت می‌باشد.

طرح اسلام به‌صورت مسلکی اجتماعی و دارای اصول منسجم و یک آهنگ و ناظر به زندگی جمعی انسان‌ها یکی از فوری‌ترین ضرورت‌های تفکر مذهبی ست، اما آن چیزی که ممکن است این روند را منحرف یا متوقف کند نگرش انفکاکی و نه نظام‌مند این نیروهای متعهد به معارف انقلاب اسلامی است و راه نجات از آن رجوع به یک تفکر نظام‌مند و نهادینه کردن آن است که از مثال‌های آن می‌توان به طرح مبانی اندیشه اسلامی اشاره کرد. این نگرش انفکاکی که پیش‌تر عرض شده ام‌المسائل کشور و در راس آن نظام است که بیشتر این آسیب متوجه نیروهای حزب‌اللهی و انقلابی است؛ حال راهی که برای حل و فصل آن پیش روی ماست، حاکم شدن نگرشی نظام‌مند بر گفتمان و ساختار نظام است. راه تحقق این مهم با تشکیل هسته‌های سخت مقاومت در گلوگاه‌های نظام محقق می‌شود که در آن افراد و کارگزاران متعهد، مخلص، انقلابی و متخصص در رشته‌های مختلف شناسایی شده، آنگاه این نیروها چون هسته‌ای سخت از پاره‌های آتش در دوایری متحدالمرکز از نیروهایی جوان، حزب‌اللهی و برخاسته از دل جامعه در کانون این دوایر قرار گرفته و به جذب، هویت‌بخشی و تربیت این جوانان در ابعاد گوناگون معرفتی، مبنایی و اجرایی در پرتوی آرمان‌های امام می‌پردازند که پس از مدتی یکایک این جوانان به هسته‌های سخت حلقاتی دیگر مبدل می‌شوند و جریان آب زلال اندیشه اسلامی را در این درخت تنومند جاری کرده و روزبه‌روز آن را پربارتر می‌کند.

آقا جان! فرزندان شما در اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان با افتخار راهبرد اساسی خود را در سال پیش‌رو، توانبخشی معرفتی دانشجویان قرار داده است تا با رشد فکری و افزایش سطح آگاهی آنها نسبت به مبانی اسلام ناب، توده‌های مردم را به حرکت درآورد و این همان نقش پیشرانی است که ما برای خود قائلیم و احساس می‌کنیم چنانچه با رجوع به اندیشه بزرگانی همچون شهید مطهری، شهید بهشتی و مرحوم علامه مصباح یزدی بتوانیم این مهم را در کشور انجام دهیم. امام و مقتدای ما! در این جمع فرهیخته اعلام می‌داریم، آنچه می‌تواند به‌عنوان گفتمان جنبش دانشجویی انقلابی مطرح شود، «هویت و آرمان انقلابی» و در راس آن شکل‌گیری جامعه دینی عادلانه آرمانگراست. این گفتمان می‌بایست برآمده از اندیشه عقبه مطمئن فکری، مرجعیت دینی، استاد فکر و عقبه تغذیه‌کننده نظام باشد. در پایان محضر رهبر عظیم‌الشان عرض می‌کنیم که ما بدهکاران همیشه انقلابیم و امید آینده زیبای انقلاب اسلامی که امروز در دل‌ها زنده‌تر شده است ما را برای جهاد در راه خدا تحت امرتان مشتاق‌تر می‌کند.

حامد عبدالحسینی، نماینده مجمع اسلامی دانشجویان دانشگاه آزاد:

با دلار ۶۲ هزار تومانی؛ افزایش جمعیت کشور امکان‌پذیر نیست

بسم‌الله الرحمن الرحیم

آقا جانم سلام

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ آن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

از زمان انقلاب اسلامی هرگاه در دولت‌ها آرمان‌های انقلاب اسلامی و تفکر جهادی سرلوحه قرار گرفت، سرعت پیشرفت در زمینه‌های مختلف به‌صورت معجزه‌آسایی افزایش یافت و با افتخار به خود بالیدیم و گفتیم آری این مدل حکومتی است که حضرت روح‌الله بنا نهاد اما هرگاه تفکرات لیبرالی و نئولیبرالیستی در اندیشه کارگزاران حاکم می‌شد فرصت‌ها سوخته، تلاش‌ها متوقف یا از مسیر خود منحرف می‌شدند. البته با همه این فراز و نشیب‌ها بلاشک برآیند جمهوری اسلامی مثبت بوده و رو به جلو هستیم. گرچه دل‌مان از عنایت و رهنمودهای حضرتعالی خطاب به مدیران عالی کشور اطمینان خاطر دارد اما بر آن معتقدیم دیگر فرصت آزمون و خطا نیست؛ اعتماد عمومی مهم‌ترین سرمایه اجتماعی نظام است و برای حفظ و ارتقای آن باید شبانه‌روز تلاش کرد. لذا دیدگاه‌ها و تحلیل‌های تشکیلات‌مان را خدمت شما عرض می‌کنم.

۱. حکمرانی مردمی و حرکت به سمت مردمی‌سازی

حضرت آقا! از نظر ما راه‌حل مشکلات کشور حکمرانی مردم پایه و خروج کارها از تصدیگری دولتی و تسهیل نقش‌آفرینی مردمی است ولی متاسفانه در سال‌های اخیر عمدتا در این مساله به شعارهای کلی و اقدامات شکلی اکتفا کرده‌ایم و عملا سازوکاری مشاهده نمی‌شود. در سال ۱۴۰۰ همه همت کردند، برچسب‌ها و تهمت‌های بسیاری شنیدند، چهره‌به‌چهره برای حضور در انتخابات و انتخاب اصلح تلاش و تبلیغ کردند تا مجددا آرمان‌های انقلاب اسلامی در دولت و گفتمان دولت زنده شود که کاستی‌ها، کم‌کاری‌ها و عقب‌افتادگی‌ها یکی پس از دیگری جبران شوند. در شعارهای دولت مردمی قرار بر این بود اقدامات خوبی نسبت به نقش مردم در تصمیم‌گیری‌ها صورت گیرد اما چنین چیزی مشاهده نکردیم. در این وضعیت و با تعیین شدن شعار سال از آقایان خواهشمندیم به سمت تحقق شعار سال حرکت کنند و حلقه‌های بسته و محدود را باز کنند و با استفاده از فکر همگان، راه‌های ایفای نقش مردم و نخبگان در تصمیمات کشوری ملموس‌تر شود.

۲. کوچک شدن سفره مردم

بی‌انصافی کرده‌ایم اگر اقدامات خوب دولت سیزدهم و شخص آقای رئیسی در سفرهای استانی و احیای سرمایه اجتماعی نظام را نادیده بگیریم ولی جناب رئیس‌جمهور در محضر حضرت آقا خدمت شما عرض می‌کنیم با دلار ۶۲ تومانی، پراید ۳۰۰ میلیونی، سکه ۴۵ میلیونی و قیمت نجومی مسکن، سفره‌ها کوچک شده است. درخصوص افزایش جمعیت تاکید می‌شود اما خب، وقتی مقدمه آن که ازدواج است نمی‌شود، چطور افزایش جمعیت اتفاق بیفتد؟ امروز کسانی روی کارند که با شعار مالیات و کنترل ارز و... روی کار آمدند. تجربه روسیه بعد از جنگ اوکراین در حفظ ارزش پول ملی پیش‌روی ماست. واقعا آیا نمی‌شود جلوی انفجار یک‌شبه قیمت ارز را گرفت؟ آیا دسترسی به تراکنش‌های مالی وجود ندارد؟ قطعا شدنی است.

۳. حجاب و نبود یک سازوکار مشخص

آقا جان! الگو و عقیده ما در مساله حجاب همان نگاه حاج قاسم عزیز است، ما معتقدیم مساله حجاب با برخورد قهری و دستوری حل نمی‌شود بلکه نیاز به فرهنگ‌سازی و گفت‌وگو با مردم دارد اما ولنگاری غربی و فریب دختران ایران اسلامی را تحمل نخواهیم کرد. آقایان اینجا جمهوری اسلامی ایران است! کمی از اتاق‌های بسته خارج شوید و به اماکن عمومی بروید تا وضعیت ولنگاری کف خیابان‌ها را ببینید. در حوزه مساله حجاب شاهد سکولاریسم درونی و مخفی برخی از مسئولان محترم و متولیان مربوطه هستیم. کسانی که ادعای انقلابی‌گری دارند اما در زمینه حجاب به بهانه کار فرهنگی، جلوی اقدامات قانونی می‌ایستند؛ چه بخواهند و چه نخواهند و با هر نیتی که دارند، گرفتار یک نوع سکولاریسم درونی و مخفی هستند. آقایان مسئول اگر نمی‌توانید یک قانون و لایحه‌ای را تصویب کنید لطفا از مناصب عریض و طویل‌تان استعفا دهید.

۴. انتخابات و لزوم ارتقای سرمایه اجتماعی

دولتمردان، نمایندگان مردم در مجلس به‌هوش باشید. سرمایه اجتماعی و پشتوانه مردمی حکومت در گرو خدمت‌رسانی و مرتفع کردن دغدغه‌های رفاهی مردم است. امروز مشکلات کشور تاب‌آوری مردم را مورد هدف قرار داده است و این همان مساله مهمی است که موجب کاهش اعتماد عمومی و کاهش مشارکت مردم در رویدادهای مهم سیاسی می‌شود. ضمن عرض تشکر از مردم شریف ایران اسلامی و مشارکت ۴۳ درصدی در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری مدیران عالی می‌بایست با توجه به وجود جنگ ترکیبی دشمن ضمن حفظ این درصد از مشارکت به طرف ارتقای این مساله، مهم حرکت کنند. تلاش‌ها برای اخذ رای نشانه وابستگی نظام به مردم و اهمیت بی‌بدیل مردم است. فاصله آرای ماخوذه با رای به نفرات در همین تهران نشان داد مردمی هم که آمدند به این سبک حکمرانی انتقاد دارند و اگر این پیام‌ها دریافت نشود آرا کاهشی و رای نفرات برگزیده پایین‌تر هم خواهد رفت.

۵. حکمرانی در رسانه و نبود یک سازوکار تشکیلاتی- فرهنگی

پدر جان! با توجه به چالش‌های جدی که جامعه اسلامی در زمینه‌های رسانه و فرهنگی مواجه است زمان آن رسیده که با یک دیدگاه مطالبه‌گر به اصلاحاتی عمیق و اتخاذ سیاست‌هایی صحیح در ساختارهای فرهنگی و رسانه‌ای کشور بپردازیم. در دیدارهای اخیر فرموده بودید که رسانه‌ها کارآمدتر از ابزار نظامی هستند بدون شک انجام کار فرهنگی در حوزه رسانه در همه زمان‌ها بر ما واجب است. یکی از چالش‌ها فعالیت رسانه‌ای فرهنگی فعالیت‌های شبکه‌های معاند است. باتوجه به اینکه برخی از این شبکه‌ها به زباله‌دان تاریخ رفتند باید توجه کنیم که رسالت این شبکه‌ها تغییر سبک زندگی اسلامی و استحاله فرهنگی با استفاده از ابزار رسانه است اما متاسفانه الگوی حکمرانی رسانه‌ای در کشور نداریم. نشانه این امر آن است که با انتقاد از سلبریتی‌زدگی در رسانه ملی، دوستان روی کار آمدند اما امروز هر کسی که سلبریتی است در رسانه ملی حاضر است یا با فروش فیلم در سینما که عمدتا ناشی از فیلم‌هایی است که تخریبگر سبک زندگی اسلامی است نمی‌توان فرهنگ را اعتلا بخشید. قصد ما ملامت نیست. می دانیم برنامه کیفی ساختن با حفظ مخاطب و رونق حوزه رسانه و هنر، کار سختی است اما این کار سخت نیازمند گشودن درهای فکر و استفاده از نظرات نخبگان است.

۶. فلسطین و ما اداراک فلسطین

امروز می‌خواهم از مردم مظلومی صحبت کنم که طبق وعده الهی پیروزی‌شان جنگ نابرابر حتمی است. بیش از ۳۱ هزار شهید مظلوم فلسطینی در ابتدای عملیات طوفان الاقصی تا کنون قربانیان نازیسم و تروریسم صهیونیستی هستند. آنها قربانیان جنایات هولناک نسل‌کشی هستند؛ قربانی سکوت و خیانت حکام عرب! جمهوری اسلامی بلاشک مهم‌ترین حامی جریان مقاومت است و واکنش‌های انفعالی و زبونانه رژیم غاصب در مقابل ایران، دلالت بر این امر دارد. ما ضمن تاکید بر انتقام خون شهیدان‌مان معتقدیم شجاعت باید با عقلانیت همراه باشد و با پرهیز از اقدامات انفعالی و احساسی، مسیر به نحوی پیش رود که به‌زودی شاهد نابودی رژیم سفاک صهیونیستی و آزادی قدس شریف باشیم. متهم کردن جمهوری اسلامی به ترس ناشی از ندیدن حقایق و خطای محاسباتی است. در نهایت از این تریبون استفاده کرده و یک پیام جهانی خطاب به حکام کشور که نسبت به وضعیت کنونی مساله فلسطین سکوت پیشه کرده‌اند ارسال می‌کنم: ایها الحکام دول العربیه. و یا أیها الإخوة المسلمون. متی تَسحَبُونَ سَیُوفَکُم مِن الجراب، لدفاع عن النساء والاطفال فی غزه انتبهوا انتبهوا بنده امروز حامل سلام گرم خانواده بزرگ اتحادیه مجمع اسلامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی هستم و از جنابعالی برای عمل به وظایف و دستیابی به بالاترین خیر که شهادت است التماس دعا داریم.

ادامه از صفحه۳
ادامه در صفحه۵

فاطمه‌سادات هوشمند میرحسینی، دبیر خواهران دفتر تحکیم وحدت

سه قوه علی‌رغم نهی صریح رهبری از تفرقه نمره مردودی گرفتند

سلام و محبت قلبی خود و خانواده دفتر تحکیم وحدت را محضر شما می‌رسانم و گرامی می‌دارم یاد شهیدان راه قدس را. از سردار عزیزمان حاج قاسم سلیمانی تا نادیا ماهرالرئیس، زن مهندس فلسطینی که در اوج اراده فرمود: «تا زمانی که زیتون خاری در گلوی شماست، اینجا خواهیم ماند و تعلق به وطن را در رگ‌های فرزندان‌مان پرورش خواهیم داد.» این است آن حضور قهرمانانه در میدان مبارزه با شقی‌ترین موجودات عالم، یعنی اسرائیل. انقلاب اسلامی که خود برآمده از اراده آحاد ملت بود با بازتعریف نقش مردم، عرصه‌های جدیدی را جهت مشارکت آنان ایجاد نمود. سال گذشته به بایسته‌های تحول پرداختیم و امسال با توجه به تاکید حضرتعالی مبتنی بر مشارکت مردم و اهمیت گفتمان مردم‌سالاری دینی در اتحادیه، به الزامات مشارکت حداکثری تحت دو سرفصل مشارکت آگاهانه و مشارکت خلاقانه خواهیم پرداخت.

الف) مشارکت آگاهانه

اضلاع شکل‌دهنده مشارکت آگاهانه شامل سه لایه حاکمیت، نخبگان و مردم می‌باشد که در این مجال به بخشی از وظایف حاکمیت و نخبگان خواهیم پرداخت. به نظر می‌رسد یکی از علل کاهش مشارکت مردم در انتخابات، عدم بستر مناسب جهت اعمال نظارت پسینی توسط مردم می‌باشد. در همین فضاست که به جای شکل‌گیری حرکت عمومی جهت نظارت بر سازوکارهای فسادزا و ایجاد شفافیت، پروژه‌بگیران افشاگری مطرح می‌شوند که با کاسبی اطلاعات از درون سیستم و ضریب دادن به فساد یا اهمال‌کاری یک مقام مسئول، خوراک رسانه‌ای برای اپوزیسیون فراهم کرده و امید به تحول را، از طریق شرکت در انتخابات، در دل برخی از مردم کمرنگ می‌کنند. علاوه بر این، فقدان رسانه‌ای که واقعا در پی آگاهی‌بخشی سیاسی باشد، در کنار فضای مجازی رها، موجب از بین رفتن مرجعیت خبری حاکمیت و دلسردی بخشی از مردم شده و به تبع آن اولویت‌های مسئولان قوا را از خدمت به مردم به سمت دعواهای بیهوده سوق داده است؛ که این امر منجر به کاهش مشارکت می‌گردد. شاهد مثال آن، انتخابات اخیر مجلس و درجا زدن، روی مشارکت چهل و چند درصدی. پیشوای ما! فرزندان شما گمان می‌کنند هر سه قوه علی‌رغم نهی صریح حضرتعالی از تفرقه، در این زمینه نمره مردودی گرفتند. حواشی انتخابات مجلس دوازدهم که منجر به تذکر شما نیز شد، نشان می‌دهد برخی از اصولگرایان همواره شیفته خدمت، گمان می‌کنند در غیاب مشارکت حداکثری و با تکیه بر نبود ایده ایجابی از سمت اصلاح‌طلبان پشیمان، کرسی‌های مسئولیت‌شان مادام‌العمر است والا از ترس قضاوت مردم هم که شده، به این میزان، اختلافات خود را به عرصه عمومی نمی‌کشانند. از طرفی تعاملات بسته و ضدمردمی احزاب، و حضور سرمایه‌داران یقه‌سفید موثر بر دولت، در کنار رهاسازی عرصه فرهنگ، باعث می‌شود نه‌تنها شعار سال محقق نگردد بلکه با تغییر ذائقه مردم، با نسلی روبه‌رو شویم که بعضا با سیاست‌های نظام همراهی نمی‌کنند و در بلندمدت، با جماعتی مواجه شویم که اساسا سیاسی نیست و شرکت در انتخابات برایش ارزشی ندارد. آقایان مسئول! برای تک تک روزهایی که در دولت و مجلس محافظه‌کاری می‌کنید، در پیشگاه خداوند نسبت به انقلاب خمینی مدیون هستید. رهبر عزیزتر از جان! ما ارکان اصلی آگاهی‌بخشی را نهاد علم و آموزش می‌دانیم. آنجا که بایستی برای معضلات فرهنگی و اجتماعی ما چاره‌اندیشی کند، دست سیاستمدار را برای حل مسائل مردم پر نماید، منطق مقاومت مردم غزه را برای نخبگان بین‌المللی تبیین کند و زمینه‌ساز افزایش مشارکت باشد، دانشگاه است؛ اما علی‌رغم دستاوردهای روشن، دانشگاه ما با این آرمان فاصله‌ای نجومی دارد. نزول ایران در برخی رتبه‌بندی‌های علمی، کم شدن رغبت نخبگان به حضور در فضای دانشگاهی، عدم حمایت جدی از نخبگان و عدم تمرکز دولت بر مساله دانشگاه، موجب نگرانی ماست. به نظر می‌رسد علی‌رغم تاکید حضرتعالی مبنی بر بازنگری نقشه جامع علمی کشور و جذب اساتید متعهد، همچنان زمین آموزش عالی در اشغال غربگرایان است. اساتید غربگرا به طور مستمر در کلاس‌ها، باورهای ملی را مورد تمسخر قرار می‌دهند و دانشجویان را ترغیب به مهاجرت می‌کنند. در مقابل، انفعال بخشی از اساتید انقلابی موجب شده است که ما با پدیده اساتید خجالتی روبه‌رو شویم؛ کسانی که هنگام استفاده از جایگاه‌ها انقلابی هستند، اما هنگام دفاع از منطق انقلاب، در مقابل همکاران‌شان احساس خجالت می‌کنند. ما همچنان یکی از راهکارهای تحول در دانشگاه را جذب اساتید باورمند به ایران اسلامی می‌دانیم.

ب) مشارکت خلاقانه

راه‌حل برخی از مسائل کشور، در گرو فعال شدن ظرفیت‌های مغفول است؛ که می‌تواند موجب کشف خلاقیت‌ها نیز بشود. لذا در این مجال به یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن یعنی ظرفیت زنان خواهیم پرداخت. ما چاره‌ای جز فهم اراده زنان در پیشبرد امور کشور نداریم. اراده‌ای که بارها خودش را اثبات کرده است اما متاسفانه امروز شور انقلابی در زیست زنان ما ظاهر نمی‌شود؛ چراکه نتوانسته‌ایم اراده زنان را درک کرده و تصویر صحیحی از قدرت، شجاعت و عاملیت زن مسلمان ایرانی نشان دهیم. چرا باید خانم دباغ ما در تاریخ بماند و آقایان تصور کنند آن روحیه مختص حوادث ابتدای یک انقلاب و استثناست؟! و چرا نباید افرادی با روحیه دباغ‌گونه در حوزه‌های مختلف تربیت و به کار گرفته شوند؟ مگر نه اینکه امروز به برکت انقلاب اسلامی زنان توانمندی داریم که با حفظ هویت خود و نقش محوری در خانواده نقش‌آفرینی‌های ویژه داشته‌اند.

آقاجان! باید دانست که دشمن از غفلت تاریخی مسئولان ما استفاده کرده و در تلاش است با استفاده از ظرفیت بخشی از زنان، پروژه‌های خود را دنبال کند. او، لذت عاملیت و قهرمان شدن را یک روز با کشف حجاب به دختران ما می‌چشاند و یک روز با مخالفت و اغتشاش علیه جمهوری اسلامی. باور کنیم برخی از همین دختران فعال در آشوب‌ها، نه از روی عناد، بلکه به دلیل نیافتن راهی برای پاسخ به نیاز اثرگذاری و عاملیت به آن سو کشانده شدند! مساله اینجاست که صحنه سیاست‌گذاری و اجرای ما در راستای فهم عاملیت زنان نیست و تا این نگرش در ذهن نخبگان سیاسی و عموم مردم اصلاح نشود، مسائل این حوزه حل نخواهد شد.

امام عزیز ما! عده‌ای در تبیین شاخصه‌های زن انقلاب اسلامی تفسیر به رای می‌کنند و تصویر زنی منفعل و در حاشیه را از زنان متدین ما می‌سازند! آنها بدشان نمی‌آید میدان‌های مختلف، خصوصا میدان سیاست را از وجود زنان، خالی‌تر از این کنند. به همین جهت است که حتی سخنان صریح شما در هزارتوی تفسیر حضرات می‌ماند و به لایه جامعه نمی‌رسد؛ چنانکه صراحتا بیان می‌کنند رهبری نیز در به کارگیری بانوان توانمند در جایگاه‌ها تعارف می‌کنند وگرنه در انتصابات ایشان در شوراهای عالی و دستگاه‌ها، معرفی و استفاده از بانوان پررنگ‌تر بود.

پدر همه فرزندان ایران! ما به دوباره زنده شدن هوای تنفس بین زنان انقلاب اسلامی نیاز داریم؛ ما با نسلی از جوانان مواجهیم که ظرفیت بالقوه‌ای دارند و کاربست اراده آنها، مساوی است با به کار افتادن یک نیروی پیشران عظیم، که این اراده، نه‌تنها در ایران بلکه به تمام جهان صادر خواهد شد؛ ما نیز کنار نخواهیم نشست و این تصویر را برای اعتلای جمهوری اسلامی محقق خواهیم کرد؛ ان‌شاءالله.

حسین قنواتی، نماینده اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل:

نه فریبکاری جریان ارتجاعی و نه دروغگویی جریان ارتدادی دردی از ملت دوا نمی‌کند

سلام گرم و خالصانه اعضای اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه‌های سراسر کشور را محضر جنابعالی تقدیم می‌کنم.

آقاجان! دغدغه‌هایی از جنس مشارکت و نقش‌آفرینی مردم داریم که در سه حوزه کلی جمهوریت، عدالت و معنویت ارائه می‌کنیم. انقلاب اسلامی ایران، مقدمه شکل‌گیری حکومت «الله» بود. تدبیر امام خمینی در به رای گذاشتن نوع نظام حکومتی، نشان داد جمهوری اسلامی، نظامی است که «مردم» در آن مرکز ثقل تصمیمات اساسی و تعیین‌کننده هستند. انسان ایرانی انقلابی، به جای «امارت اسلامی»، «جمهوری دموکراتیک» و پیشنهادات دیگر، نظام سیاسی‌ای را برگزید که در کنار اسلامیت، جمهوریت را به رسمیت می‌شناخت. انتخابات‌های متعدد در چهار دهه اخیر نیز شاهدی بر این مدعاست که جمهوری اسلامی همواره انتخاب‌های متنوع مردم از سازندگی و اصلاحات تا عدالتخواه و اعتدالی و دولت فعلی را به رسمیت شناخته و به آن احترام گذاشته است. چالش جدی در مشارکت مردمی در سه انتخابات اخیر، اتفاقا با همین مقدمه‌ای که ذکر شد، نگران‌کننده، و از چند منظر قابل بررسی است:

اول، بحران نمایندگی

بخشی از مردم به درست یا غلط، به این تصور رسیده‌اند که نماینده‌ای در فرآیند انتخابات‌ها ندارند. یکی از دلایل افزایش رای سفید، مواجه نبودن جامعه با گزینه‌های نو و تحول‌خواه است. نوع نگرش به مساله احراز یا تایید صلاحیت‌ها -که خود هنوز موضوع سوال برانگیزی است- از این منظر تهدیدی برای جمهوریت است. تهدید هم با ح جیمی، هم با ه دوچشم!

دوم، بحران گفتمان

مردم به جای آنکه به رقابت ایده‌ها نگاه کنند و به استقبال راهکارهای حل چالش و مسائل اساسی کشور بروند، با فضای سیاسی منسوخ‌شده لیست‌های انتخاباتی طرفند که فاقد مولفه‌های گفتمانی و ایده‌های عملیاتی مشخص هستند و هیچ محرکی برای مشارکت سیاسی آنها به وجود نمی‌آورد. لیست‌ها، به حقیقت یک‌شبه‌اند؛ هم «چنارها» و هم «پاجوش‌ها».

سوم، خلأ فرآیند تربیت نیروی سیاسی

جامعه ایرانی در سپهر سیاسی چهره‌های نو نمی‌بیند. عدم تحزب و سیاست‌ورزی تشکیلاتی، انتقال نسلی در امر سیاسی را با ابتذال مواجه کرده؛ تاآنجاکه سخنران درجه چندم بحث‌های فرعی، به مصاف واقعیت‌های سیاسی می‌رود؛ و یک عضو کابینه، با بستن فهرست، برای آینده سیاسی خود بذرپاشی می‌کند!

چهارم، خلاصه شدن امر سیاسی در صندوق

فقدان بسترهای مشارکتی موجب شده مردم نقش روشنی در اداره کشور نداشته باشند و مسیر مشخصی برای طرح مطالبات آنها ترسیم نشود، درحالی‌که فضای مجازی و ساختارهای نوین، امکان این مهم را فراهم کرده که مردم نظرات خود را درخصوص برخی ایده‌ها و طرح‌ها در قالب کارزارهای اجتماعی به گوش مسئولان برسانند اما نه حرکتی جدی برای تحقق اصل «حق اعتراض» صورت گرفته و نه تشکل‌های صنفی، تخصصی و اجتماعی به رسمیت شناخته می‌شوند. آقایان مردم‌سالاری مساوی صندوق رای نیست! مردم‌سالاری مشارکت مردم در اداره کشور است؛ همیشه و همه‌جا.

پنجم، نهادهای فراقانونی و چالش نادیده‌گرفتن قانون

طی سالیان اخیر شاهد صدها مصوبه غیرقابل اجرا یا مصوباتی بوده‌ایم که به آن اعتنا نمی‌شود. موضوع واردات خودرو، شاهدی برای نادیده گرفتن قانون در کشور است. از سوی دیگر، شوراهای موازی و حتی موقتی و مصلحتی حالا دائمی‌شده مانند «شورای اقتصادی سران قوا»، «شوراهای عالی انقلاب فرهنگی و فضای مجازی» و دستگاه‌های نوظهوری مانند «هیات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» که مداخله‌های عجیب‌وغریبی مثل موضوع خودرو دارند، موجودیت مجلس را به مخاطره انداخته‌اند.

ششم، وضعیت معیشتی؛ که نیاز به توضیح ندارد.

مواردی که عرض شد، در توضیح دلایل مشارکت حداقلی بود و بیم آن می‌رود با نادیده گرفتن خسارت کاهش مشارکت، این موضوع عادی‌سازی شود. بعد از تخلیه اجتماعی که با عادی کردن مشارکت پایین رخ می‌دهد، یکی از پروژه‌های دشمن، «تخلیه گفتمان انقلاب، از محتوای خود» است. این پروژه سه ضلع دارد؛ نخست، دشمنان هستند که طراحی دقیقی دارند. دوم، شیفتگان منصب و قدرت هستند که اولویت‌شان رسیدن به مطامع سیاسی خود است. سوم، مسئولانی هستند که با قصور و تقصیر راه را برای دو ضلع دیگر فراهم می‌کنند. با توجه به شعاری که حضرتعالی برای سال جدید تعیین کردید، همه این گزاره‌ها درباره «مشارکت مردم در حوزه اقتصاد» هم مصداق دارد. هر اقدام مهم و تصمیم حیاتی، چه در اقتصاد، چه در سیاست کشور، بدون ترمیم شکاف‌های اجتماعی ممکن نیست. اگرچه مساله اقتصاد و مشارکت مردمی در آن لازمه دیگری نیز دارد و آن ثبات و پایداری شرایط اقتصادی است که به مردم اطمینان مشارکت دهد؛ این مهم با تغییر روزانه قیمت‌ها عملا وجود ندارد.

کلان ایده؛ «بازگشت به گفتمان انقلاب با همه دقایق گفتمانی آن و مبنا قرار دادن منافع ملی است»، اما باید اقدامات عاجلی هم برای آن اندیشید، هرچه صاحبان تریبون‌ها عاقلانه و بامدارا تصمیم بگیرند، ترمیم شکاف ساده‌تر می‌شود و هرچه در تصمیمات اجتماعی و فرهنگی، «قانون» بیشتر از قبل، ملاک و مبنا قرار بگیرد، «وحدت اجتماعی» بیشتر حاصل می‌شود. هرچه مرجعیت رسانه خصوصا رسانه ملی بیشتر به داخل برگردد، ترمیم این شکاف‌ها شدنی‌تر است. رویکرد اقلیت‌محور و ناپخته مدیریت فعلی تلویزیون- که به اختراع مجدد چرخ منجر شده - تاسف‌بار است. تلویزیونی که یک روز پرمخاطب‌ترین سریال جهان اسلام را ساخته بود، به روزگاری افتاده- که طبق آمار خود صداوسیما- با افت ۲۳ درصدی مخاطب طی دوسال مواجه شده است.

زمان بازنگری در سیاست طبقاتی کردن آموزش عمومی فرا نرسیده است؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای! عدالت اصلی‌ترین آرمان جمهوری اسلامی است. «از مبانی فقهی قانون اساسی و مجموعه بیانات جنابعالی حتی پیش از پیروزی انقلاب این‌گونه می‌توان استنباط کرد که در جامعه اسلامی هیچ فرد، گروه و جناحی نسبت به دیگری مزیت ویژه در بهره‌برداری از امکانات ندارد و باید برای تک‌تک افراد جامعه فرصت برابر به فعلیت رساندن استعدادهای مادی و معنوی فراهم باشد. تعریف عدالت در جامعه اسلامی به این مقدار خلاصه نمی‌شود.» مطابق مقدمه قانون اساسی هیچ فردی نمی‌تواند برای مردم تعیین تکلیف و راه رسیدن آنان به اهداف‌شان را سلب کند. با وجود این، تلقی عمومی از وضعیت عدالت در جامعه ایرانی مثبت نیست. از سمتی با ساختارهای تبعیض‌زا مواجهیم و از سمت دیگر با القائات رسانه‌ای.

امروز رویکردهای عدالت‌خواهانه وجه پوپولیستی پیدا کرده است و ما در دام تناقض میان عمل و شعارهایمان گیر افتاده‌ایم، به‌عنوان مثال حاکمیت در برخورد با برخی فریب‌خوردگان بلوای حجاب به جای نگاه تربیتی، شدت عمل به خرج می‌دهد و در مواجهه با اشتباهات برخی کارگزاران نسخه «برخورد مومنانه» برای جامعه تجویز می‌کند. البته این ضعف، تنها وجه حاکمیتی ندارد و برخی ژورنالیست‌های اصطلاحا تحقیقی یا بهتر است بگویم تحویلی دچار چنین تناقضی‌اند؛ همان پروژه‌بگیرانی که در فقدان شفافیت، عرصه عدالتخواهی را تا حد تسویه‌حساب‌های شخصی خود مبتذل کرده‌اند. فقدان شفافیت نباید بهانه‌ای برای انتقام‌جویی‌های سیاسی شود. اینکه فردی یا مجموعه‌ای با اهداف و اغراض سیاسی، اطلاعاتی را به‌شکل هدفمند و در قالب پروژه‌های سیاسی منتشر کند ضد ایده شفافیت است. چنین رویه‌ای ضد اخلاق و منافع ملی و حتی مخل امنیت ملی است.

رهبر عزیز انقلاب! با توجه به جایگاه مشروعیت‌بخش عدالت در نظام اسلامی، اقدام قاطع و عاجل برای تعدیل این ذهنیت اجتماعی، حیاتی است. در همین رابطه فرزندان شما سوالاتی دارند و پاسخ‌های شما می‌تواند تا حد زیادی راهگشای مسیر حرکت جنبش دانشجویی باشد.

- آیا گزارش منتشره مجمع تشخیص درباره عدم تحقق ۸۰ درصدی سیاست‌های کلی اصل ۴۴، باتوجه به دعوت مجدد حضرتعالی برای مشارکت دادن مردم در اقتصاد، از سوی مدیران امر، مطالعه و آسیب‌شناسی شده و منجر به تغییر جدی خواهد شد؟

- سال‌هاست که مساله مدارس پولی و تبعات بلندمدت آن بر عدالت آموزشی را در این جلسه مطرح کرده‌ایم. حال از حضرتعالی سوال می‌کنیم، آیا زمان آن فرانرسیده در سیاست طبقاتی کردن آموزش عمومی و ساختار تبعیض‌آمیزی که نتیجه‌اش موفقیت ۹۵ درصدی از مدارس پولی در نفرات برتر کنکور است؛ بازنگری شود؟

- از یک‌سو نسل مدیران نیازمند تغییر است اما از سوی دیگر فرآیندها به‌گونه‌ای طراحی و اجرا می‌شود که تصمیم‌سازان به جای تحول عقلایی، ساده‌سازی را تجویز می‌کنند. حاصل کار آنها در درازمدت انباشت معضلات کشور از یک‌سو و ناامیدی عموم مردم از ایده‌های اصطلاحا انقلابی از سوی دیگر شده؛ جمع بین این دو چطور ممکن است؟

به‌جای برخوردهای پوپولیستی با مردم، صادقانه و شفاف عمل کنیم

البته ما معتقدیم حل مشکلات در شرایط کنونی شدنی است. به شرطی که نگاه‌مان به مشکلات واقع‌بینانه باشد و به جای برخوردهای پوپولیستی با مردم، صادقانه و شفاف برخورد کنیم. طی سالیان اخیر در برخی بزنگاه‌ها مواجهه احساسی و بدون ایده قوای سه‌گانه با کلان مساله‌هایی چون «تحقق عدالت اجتماعی»، سبب رشد سندروم شعارزدگی در میان مسئولان شده است، سندرومی که نماد بارز آن، فاصله ۲۰۰ ساله وضعیت فعلی کشور با افق چشم‌انداز توسعه ۱۴۰۴ ایران است. حالا که صحبت از افق ۱۴۰۴ شده، نکته‌ای به فراخور مخاطبان درخصوص دانشگاه عرض می‌کنم.

رهبر انقلاب! در آستانه افق ۱۴۰۴ ایران دیگر رتبه اول علمی منطقه نیست. وضعیت علمی کشور شرایط هشداربرانگیزی دارد. براساس شنیده‌ها تعداد ثبت‌نام فراخوان عضویت علمی کاهش یافته و اوضاع نه‌چندان مطلوب معیشتی اساتید درکنار تجهیزات قدیمی مواردی نیست که بتوان به آینده خوشبین بود. چالش‌های جدی دانشگاه مثل نحوه مدیریت، نظام جذب، ترفیع و ارتقا یا اقتصاد نابسامانش- که باعث شده اداره آن به‌شکل هتلینگ نزدیک شود- نیازمند تغییر جدی در سیاست‌های فعلی دارد. فضای علمی کشور به جهات مختلفی نیازمند ارشاد حضرتعالی است. در ایام سرمایه‌گذاری‌های کلان همسایگان روی روندهای جدید علم و فناوری مثل هوش مصنوعی و کوانتوم، تعداد مقالات تولیدی‌مان در پایگاه‌های استنادی، کاهشی و جایگاه جهانی ایران در سایه «عدم تحقق ۴ درصدی سهم پژوهش از تولید ناخالص ملی» یک پله افت داشته است.

رهبر معظم انقلاب! معنویت از دیگر چالش‌های وضع فعلی است. آرمانی که خاستگاه دینی و تاریخی دارد و از ارکان و سرمایه‌های تمدنی ایرانیان است. روابط آزاد، مصرف مواد، نهی ازدواج و فرزندآوری، عدم مسئولیت‌پذیری، بی‌اعتنایی به سنت‌های ملی؛ تهدید امر معنوی و سبک زندگی ماست. اینها ابعاد سبک زندگی طبقه سرمایه‌دار و در یک کلام سبک زندگی ضدخانواده است. طبقه سرمایه‌دار و کسانی که از آنها تقلید می‌کنند برای تامین ابزار عیاشی و سوءاستفاده‌شان از زنان، برهنگی و کشف حجاب را ترویج می‌کنند و به دروغ، از آن نمادی برای مخالفت با جمهوری اسلامی ساخته‌اند با اینکه حجاب اختراع جمهوری اسلامی نیست. کشف حجاب یک سبک زندگی ضدخانواده را ترویج می‌کند که در آن جامعه، خلع سلاح شده و انسان، برده بی‌چون‌وچرای یکه‌تازی تفرعن نفس است. صیانت از تمدن اصیل ایرانی اسلامی نیازمند ظرافت است نه برخوردهای پادگانی.

درنتیجه به‌دلیل پیچیدگی مساله، عمیقا درخصوص برخی رفتارهای ساده‌اندیشانه و احساسی در این باره نگرانیم.

آقاجان! پس از طوفان الاقصی، نبرد نفسگیر جمهوری اسلامی و گروه‌های مقاومت با اسرائیل به اوج رسید. با وجود این، جمهوری اسلامی از یک‌سو باید متناسب با چالش‌های بین‌المللی اقدام و از سوی دیگر بر مشکلات داخلی غلبه کند. در توصیف مشکلات کشور و راه‌حل‌های عبور از بحران‌ها با دو فهم غلط مواجهیم؛ نخست جریان ارتجاعی که سعی در استحاله ارزش‌های اصیل انقلاب دارد و راه هرگونه اصلاح را می‌بندد و دوم جریان ارتدادی که براندازی نظام را دنبال می‌کند. معتقدیم نه فریبکاری جریان ارتجاعی و نه دروغگویی جریان ارتدادی دردی از ملت دوا نمی‌کند، بلکه تقویت گفتمان نوگرایی راهگشاست. نوگرایی یعنی پایبندی به اصول انقلاب اسلامی و شجاعت ایجاد تغییرات بزرگ در اداره کشور، نه عبور از ارزش‌های انقلاب اسلامی ممکن است و نه اداره کشور به شیوه‌های کنونی مطلوب. بسط و توصیف گفتمان نوگرایی بدون التزام واقعی به نقش مردم منتفی است و صرفا در چهارچوب اعتقاد جمهوریت نظام ممکن است.

کلام آخر

این روزها گسترش جغرافیای گفتمان انقلاب از کشمیر و صنعا تا بغداد و نبطیه مشهود است. این روزها مقاومت جانانه مردم فلسطین دربرابر رژیم کودک‌کش به جهانیان این وعده را می‌دهد که زمان تحقق وعده‌های الهی نزدیک است. سراب مادی‌گرایی غرب و شرق، با طوفان چشمه‌های خروشان اسلام و مقاومت توحیدی فلسطینیان - از ۷ اکتبر - نیست شد. فلسطینیان مبدا تحولات جهان هستند، تحولاتی که همگان را از خواب غفلت بیدار می‌کند. قضیه فلسطین؛ درد این روزها، ممنون صبر مردم غزه است؛ صبری که کلید رمزآلود فرج است. ان‌شاءالله.

چشم‌هایی خیره می‌پاید مرا / غرش تمساح می‌آید به‌گوش / کبر فرعونی و سحر سامریست / دست موسی و محمد(ص) با من است / صبح چندان دور نیست...

ادامه از صفحه۴
ادامه در صفحه۶